

سینیار بین المللی کمونیستی بلژیک

و سازمانهای کمونیستی است که از مارکسیسم - لذینیسم دفاع کرده و بارویزیونیسم مبارزه می‌کنند.

درابتدا سینیار، 'لودومارتنتز'، مدیر کل حزب کار بلژیک، به بیش از صد نواد تن از اعضای هیئت‌های نمایندگی خوش آمد گفت و برای سینیار آرزوی موفقیت نمود. او گفت که نیروهای مارکسیست - لذینیست به اندازه کافی در سطح جهانی همکاری ندارند و میان نظرات و عملشان فاصله وجود دارد. مارتنتز پس از نگاه کوتاهی به وضعیت سیاسی و اقتصادی در جهان خواهان بحث جدی بر سر انتربنیونال پرولتری شد. او یاد اوری نمود که در سال ۱۹۹۲ نخستین سینیارین - المللی کمونیستی در حالی برگزار شد که آمریکا و ایدئولوگی‌های بورژوازی از "پایان تاریخ" سخن می‌گفتند اما امروز ما شاهد مبارزات گسترده کارگری در سطح جهان علیه سرمایه‌داری و به ویژه مبارزات بسیار

صفحه ۳

حزب کاربلژیک هرسال از ۲ تا ۴ ماه می‌یک سینیار بین المللی کمونیستی را دربروکسل برگزار می‌کند. امسال یازدهمین سینیار بین المللی برگزار شد و احزاب و سازمان - هایی از سی و هشت کشور جهان به شرح زیر در این سینیار شرکت نمودند. آلبانی، الجزایر، اتریش، بنگلادش، بلژیک، بربیل، کامرون، چاد، کلمبیا، کوبا، کره شمالی، کنگو، مکراتیک، اکوادر، فرانسه، آلمان، انگلستان، مجارستان، هندوستان، ایران، ایتالیا، لتونی، مکزیک، نیپال، هلند، نروژ، پاکستان، فلسطین، لائوس، پرو، فیلیپین، رومانی، روسیه، سنگال، اسپانیا، سوئد، ترکیه، اکرائین، وایالات متحده آمریکا.

از ایران سازمان فدائیان (اقلیت) به این سینیار دعوت شده بود و یک هیئت نمایندگی از سازمان ما در این سینیار شرکت کرد. حزب کاربلژیک در معرفی کوتاه این سینیار می‌نویسد: هدف این سینیار گرد هم آیی احزاب

سخنران اخیر خاتمی

و

دو نکته نه چندان تازه

سخنران اخیر خاتمی در تاریخ یکشنبه پانزدهم اردیبهشت ماه که در تالار حافظیه تهران ایراد نمود، حاوی دو نکته مهم بود. رئیس جمهوری اسلامی در سخنران خود از جمله گفت "اگر احساس کنم دولت از مسیر تحقق اهداف انقلاب و جنبش اصلاح طلبی ملت ذرهای منحرف شده است، لحظه‌ای در مسئولیت ریاست جمهوری نخواهم ماند." خاتمی به شنوندگان خود "اطمینان" داد که "دولت راه خود راگم نکرده است" و چنین اضافه کرد که اگر نتوانستیم خواست ملت را برآورده سازیم، کنار خواهیم رفت! این چند جمله کوتاه‌سخنان آقای رئیس جمهور، پیشوازی "اصلاح طلبان حکومتی" و دنباله روان وی در خارج از حکومت، بار دیگر این حقیقت اثبات شده را در برابر چشم همگان قرار داد که جنبش اصلاحات آقایان، ادامه همان چیزی است که تاکنون پی‌گرفته و انجام شده است و اگر که خاتمی هنوز در مسئولیت ریاست جمهوری مانده است، معناش آن است که جنبش اصلاح طلبی ایشان، بدون ذرهای انحراف در مسیر خود گام برداشته است. خاتمی نه فقط چنین عنوان کرد که دولت، دقیقاً در مسیر اصلاحات مورد نظر وی گام برداشته است، فراتر از این ادعا کرد که خواست مردم را نیز برآورده ساخته است، چرا که اگر غیر از این بود، او در مسئولیت خود باقی نمی‌ماند و کنار می‌رفت.

این که آقای خاتمی و دولتش تاکنون کدام یک از خواست های توده مردم را برآورده ساخته است بماند. این شوخی را، توده

رحمتکش مردم با مبارزات اعتراضی جدی خویش برای تحقق مطالبات شان پاسخ داده‌اند و خواهند داد. آقای رئیس جمهور،

اما از این طریق در واقع امر یکبار دیگر تمام ظرفیت "اصلاح طلبان حکومتی" را واگویی نمود و با تاکید مکرر بر قانون صفحه ۲

دراخان شماره

ستون مباحثات: ((سخنی اجمالی با رفیق یدی)) صفحه ۵

خبر اخبار کارگری جهان ۴

۴ اخبار از ایوان

توجه!

شماره فکس سازمان تغییر کرده است

برای فکس به سازمان

از شماره‌های زیر استفاده کنید

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۱۹۶۷

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

راتشکیل می‌دهد. راستاین است که "جنبشه اصلاح طلبی" آقای خاتمی، بدون ذره ای انحراف در همین مسیر جلو رفته است. ثانیاً این درست است که بورژوازی برای مهار و کنترل اعتراضات و انحراف مبارزات توده‌ای و درنهایت تعویق لحظه قیام، به جریان خاتمی نیاز دارد و از آن سود می‌جوید، اما باید در نظر داشت که عملکرد این جریان به فوریت تمام پرده‌ها را کنار زده است. اعتراضات و مبارزات توده‌ای در حال گسترش است. کمیت و کیفیت اعتراضات و اعتضابات کارگری با سال‌های گذشته قابل قیاس نیست و در این زمینه گامهای بسیار مهمی به جلو برداشته شده است. اعتراضات و مبارزات دانشجویان، زنان، معلمان و دانش آموزان، اعتراضات توده - ای در محلات و شهرها در حال گسترش است و اینها همه حاکی آن است که پروژه اصلاحات و وعده های تو خالی شکست خورده و قدرت فریبندگی خود را از دست داده است. وانگهی خوش آهنگ ترین لفاظی - ها هم نه قادر به حل تضادهای طبقاتی است و نه می‌تواند پیکارهایی قانون مند طبقاتی رامانع شود. اکثریت عظیم جامعه خواهان دگرگونیهای عمیق و درهم شکستن نظم موجودند. وقتی که طبقه کارگر بطور متسلک و در مقیاس سراسری وارد میدان شود، وقتی که طبقه کارگر رهبری این مبارزه جدی برای تغییر نظم موجود را در دست گیرد، دیگر مجالی برای آرامش خیال و تامین "فضای آرام" طبقه حاکم که نمایندگان آن، از جمله آقای خاتمی چندین سال است برای حفظ و تامین آن، تلاش می‌کنند، باقی نخواهد ماند.

«طرح منع شکنجه» و

پلامانع بودن شکنجه

کمترینش حد و تازیانه رامجاز نمی‌داند؟ و چگونه کسی می‌تواند در مردم این وحشی - گریها که نمونه‌هایی از بی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌ها محسوب می‌شوند، سخن نگویید و آنها را محکوم و مردود نداند، اما از منع شکنجه سخن بگویید؟ سخن کوتاه. حکومت مذهبی چپ و راست، محافظه کار و اصلاح طلب، نمی‌شناسد. تمام کسانی که مدافعان حکومت اسلامی هستند، بدون استثناء مدافعين پوشیده و آشکارشکنجه و کشتارند. شکنجه جزء لاین‌فک حکومت مذهبی است. یک دولت مذهبی بدون شکنجه و کشتار، اختناق و سرکوب محال است. این حقیقت راتمام تاریخ بشیریت و تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی در ایران، آشکار و عربیان به همگان نشان داده است. بدون نابودی دولت مذهبی هیچ بحث و صحبتی از منع شکنجه نمی‌توان به میان آورد. لذا نخستین کلام در نفی شکنجه، نفی جمهوری اسلامی و سرنگونی آن است.

اندر کاران حکومتی شاهد بحران شدید اقتصادی و سیاسی و شاهد نارضایتی روز افزون توده مردم است، اوکه مانند دیگر هم ردیفان خویش از تراکم نارضایتی توده‌ای و فضای ملتهب جامعه به هراس افتاده و به رغم گوش‌های سنگین‌اش صدای اعتراض همگانی را شنیده است، اوکه می‌بیند جامعه آبستن "ناآرامی" های اجتماعی است و به آستانه‌انفجار نزدیک می‌شود، بار دیگر در سخنان خود بر "آرام" سازی جامعه تاکید نمود. خاتمی البته با کلمات و اصطلاحات خود به تفسیر اوضاع جامعه پرداخت. او در همان حال که به وجود "ذهنیت و تجربه منفی" در مردم حکومت دینی - بخوان تنفر و ارزش‌جار مردم از حکومت اسلامی - اعتراض نمود، گفت که "جامعه در آستانه آشفتگی قرار دارد" گفت که تلاش اوکاستن از آشوب زدگی، وضعیت "بحرانی" و "هیجان زده" جامعه و ایجاد "فضای آرام" است. آقای خاتمی بدین ترتیب واقعیت دیگری را بر زبان راند و بار دیگر بر مهمندین نقشی که از آغاز روی کار آمدنش بر عهده گرفته است، یعنی انحراف از همان مبارزات و اعتراضات مردم و عقب‌انداختن لحظه انفجار و قیام نهانی کارگران و زحمتکشان تاکید نمود. اعتراضات آقای خاتمی اگر چه مهم است، اما تا آنجا که به توده مردم و به کارگران و زحمتکشان مربوط می‌شود، تازگی ندارد. اولاً مدت‌هast که نه فقط توده مردم زحمت- کش، بلکه حتی برخی محافل و گروههای وابسته و یا نزدیک به "جناح اصلاح طلب" نیز به ماهیت اصلاحات دولتی پی برده‌اند و دیگر کسی اگر که ریگی در کفش نداشته باشد به آن متوجه نمی‌شود.

تصویب قوانین ضد کارگری در مجلس از جمله لایحه خروج کارگاههای با کمتران ۵ کارگر از شمول قانون کار، لایحه بازسازی صنایع نساجی که دست سرمایه داران و کار فرمایان را جهت زورگویی، تشدید فشار و استثمار و اخراج کارگران بیش از پیش باز گذاشت، قانونی کردن قراردادهای موقت کار، ادامه و گسترش خصوصی سازی ها و بیکار سازی های وسیع کارگران، حذف کارگران قالی باف از شمول قانون کار، بلوکه کردن حقوق و مزایای کارگران، زدن از حق و حقوق و تشديد فشارهای اقتصادی و معیشتی کارگران، سرکوب اعتضابات کار - گری، تصویب لواح ارجاعی ضدمطبوعات، توقیف روزنامه‌ها و سرکوب و حبس روزنامه نگاران و آزادی خواهان، سرکوب خونین دانشجویان، معلمان، دانش آموزان، سرکوب و سنگسار زنان و دفاع آشکاراز تبعیضات، ننگ آور جنسی، پیشبرد سیاست‌های نئو- لیبرالی انحصارات امپریالیستی که اکثر مردم زحمتکش را به فقر و سیه روزی سوق داده است، سر فصل اقدامات و اصلاحات آقای خاتمی و سایر اصلاح طلبان حکومتی ترین و متوهم‌ترین طرفداران خویش و نیز پادوان بورژوازی بیرون از حاکمیت به ویژه جریانات راست توده‌ای - اکثریتی را که هنوز به معجزات خاتمی دل بسته‌اند، برباد داد. و اما نکته دوم، آقای خاتمی که مثل سایر سران و دست

سخنان اخیر خاتمی

و

دو نکته نه چندان قازه

اساسی و رعایت آن، فضای ذاتا مسدود و دایره بسیار تنگ اصلاحات در چارچوب حکومت اسلامی را به بهترین نحوی ترسیم نمود. آقای خاتمی البته زمانی این سخنان را بربان راند که درست یک روز قبل از آن دستگاه قضایی در ادامه اقدامات قبلی خود، حکم توقیف چند روزنامه واپسیه به "اصلاح طلبان حکومتی" از جمله "بنیان" و "ایران" را صادر کرده بود. هرچند با پاره‌میانی مجلس، از "ایران" عجالتاً رفع توقیف شد، اما بلاfacله حکم توقیف روزنامه "نوروز" صادر گردید.

هر آدم منصفی که رویدادهای سیاسی و اجتماعی ایران را در دوره ریاست جمهوری خاتمی دنبال کرده باشد، بدون شک متوجه این موضوع نیزشده است که خاتمی نه فقط خواست توده مردم را برآورده نساخته است - که چنین چیزی اصولاً در ماهیت و نیست! بلکه حتی در چارچوب منافع همپالگی های خویش و دوم خردادیها نیز هیچگونه اقدام جاندار و منمر شمری انجام نداده است. آقای خاتمی به عنوان رهبر "جناح اصلاح طلب" در جریان منازعات با رقیب، با خواری و زیونی و تسليم طلبی، دایم‌اعقاب نشسته است و چه بساطرداداران خویش رانیزکه روی ایشان و حمایت‌هایش حساب می‌کردد، قربانی ساخته است.

قتل های سیاسی زنجیره‌ای، وقایع کوی دانشگاه‌تهران، مسایل مربوط به کنفرانس برلین، استیضاح و برکناری مهاجرانی، منازعه مجلس آقای خاتمی، مهاجرانی، منازعه مجلس و قوه قضائیه، دستگیری و حبس روزنامه نگاران، تعطیل و توقیف روزنامه ها، احضار و محکمه نمایندگان مجلس وابسته به جبهه دوم خداد، طرح اصلاح قانون انتخابات و مطبوعات ودهها نمونه دیگر که ذکر آن از حوصله این مقاله خارج است، تماماً گواه همین حقیقت است.

معنای سخنان خاتمی به زبان ساده این بود که "اصلاحات" و "جنبشه اصلاح طلبی" همان چیزی است که تا کنون بوده و بعداز این هم همان است و کسی نباید بیش از این انتظار داشته باشد. و این البته نکته و سخن درستی است ولو آنکه با ادای آن، چه بسیار امیدهای واهی عقب مانده - ترین و متوهم‌ترین طرفداران خویش و نیز پادوان بورژوازی بیرون از حاکمیت به ویژه جریانات راست توده‌ای - اکثریتی را که هنوز به معجزات خاتمی دل بسته‌اند، آقای خاتمی که مثل سایر سران و دست

سمینار بین المللی کمونیستی بلژیک

-نماینده فدراسیون اتحادیه‌های ملی کارگران کشاورزی کلمبیا، ضمن مروری بر اوضاع اقتصادی این کشورشمایی از وضعیت کارگران کشاورزی ارائه داد: "رونده اقتصادی در کلمبیا طی ۱۰ سال گذشته به رانده شدن کشاورزان انجامیده است. ۲۶ درصد جمعیت فعلی بیکار و ۲/۵ میلیون نفر در جستجوی کاراز روزتاناها به شهرهای اصلی جرت کرده‌اند. طی سالهای گذشته کارگران کشاورزی از عضویت در اتحادیه‌ها استقبال کرده ولی با این وجود تنها ۱۶ درصد مجموع کارگران کشاورزی در اتحادیه‌ها متشکل شده‌اند." نماینده فدراسیون، در پایان سخنان خود به روند رو به رشد مبارزات و مقاومت اشاره کرد و پرپرورت تشکل وسازمان یابی کارگران تاکید نمود.

-"انریک رامیرز" نماینده حزب کمونیست مارکسیست - لینینیست اکوادور از تاثیرات مغرب "نئو لیبرالیسم" بر اوضاع اقتصادی این کشور سخن گفت: "درنتیجه‌هاین سیاست‌ها، ۸۰ درصد از جمعیت اکوادور در فقر به سر می‌برند که نیمی از آن زیر خط فقر قراردارند. تعطیل کمپانی‌ها، بیکاری و سیع را به دنبال داشته است. روند مهاجرت کارگران به سایر کشورها یکی از پدیده‌های قابل توجه در اکوادور است. در بستر چنین شرایطی، مبارزات روزبه روزاوج می‌گیرند. روی آوری به تشکل یکی از جوانب مثبت این شرایط است. اقسام مختلف در اتحادیه‌های خود متشکل می‌شوند". وی در پایان بر ضرورت سازماندهی هدفمند اقسام مختلف اجتماعی تاکید نمود و نیروهای پیشرو در آمریکای جنوبی را به سازمان دهی و رهبری توده‌ها فراخواند.

-نماینده حزب پرولتری پرو، " نقش امپریالیسم در پرو" را مورد ارزیابی قرار داد: "تأثیر سیاست‌های امپریالیستی در پرو، تحركات متعددی در میان نیروهای تولید کننده جامعه به وجود آورد. از سوی دیگر، بخشی از نیروهای چپ ما به انحلال گرایی روی اوردند". وی در بخش دیگری به انتقاد از مبارزه مسلح‌اندیان که طی ۲۰ سال گذشته در پرو در جریان بوده است، پرداخت و اظهار داشت: "تفصیل نیروی مادی و معنوی جنبش به مبارزه مسلح‌اندیان، منع از سازماندهی و تشکل یابی کارگران شده است. از یک سو با ضعف سازماندهی توده‌ای روبرو هستیم، از سوی دیگر با رفرمیسم درون جنبش چپ. وی در پایان بر مبارزه با رفرمیسم و تلاش جهت سازماندهی طبقاتی تاکید نمود و خاطر نشان ساخت که در تحولات آتی، تنها یک آلت‌رناتیو سوسیالیستی پاسخگوی نیازهای اکثریت جامعه است.

-نماینده حزب کمونیست (مارکسیست - لینینیست) هندوستان گفت که امپریالیسم فعلی جنگ‌های منطقه‌ای به راه می‌اندازد تا بتواند بحران اقتصادی و امکان یک بحران بزرگ جهانی بود. کثرت متنون ارائه شده و ضيق وقت موجب گردید که برگزار کنندگان سمینار برخی از بحث‌های ارائه شده را برای طرح در سمینار سه روزه در نظر بگیرند که متن ارائه شده‌هاز سوی سازمان مایکی از آنها بود. در زیرنکات مهم برخی از بحث‌های ارائه شده را برای این که پس از ارائه دو یا سه بحث، وقتی برای پرسش‌ها و گفتگو بر سر بحث‌های ارائه شده در نظر گرفته شده بود.

-خانم تامیلایا برداشت که بحران اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری ارائه داد. وی بحران ساختاری و مزن نظام سرمایه داری را تشریح نمود و با استناد به بحران - های سه دهه اخیر نشان داد که درنتیجه تشدید تناقضات شیوه تولید سرمایه داری، بحرانهای اقتصادی نظام سرمایه داری ابعادی وسیع‌تر و مخرب‌تر به خود گرفته‌اند و دوره‌های رکود در سیکل بحران طولانی‌تر شده‌اند. وی با استناد به آمار وفاکت‌های اقتصادی، سقوط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به ۰/۸ درصد در سطح جهان تا اوایل ۲۰۰۲ و بحرانی که جهان سرمایه داری را فراگرفته است، نتیجه گرفت که واقعیت‌های اقتصادی اوایل قرن بیستم، یک بار دیگر در آغاز قرن بیست و یکم خود نمایی می‌کنند و جهان سرمایه داری به سوی یک رکود اقتصادی همه جانبه و بحرانی عظیم تر پیش می‌رود. او گفت که با سلطه احصارات و سرمایه مالی، اصولاً بحران تمام جوانب نظام سرمایه داری را فراگرفته است. بحران بزرگ ۱۹۲۹-۱۹۳۲ که تمام ارکان نظام سرمایه‌داری را به درآورد بیانگر چیز دیگری جز پوسیدگی این نظام نبود. بورژوازی برای مقابله با این بحران همه جانبه، فاشیسم و جنگ را در دستور کار قرارداد. اکنون نیز نظام سرمایه داری جهانی با یک بحران عمومی روبروست و یکی از جوانب این بحران، بحران در نظام سیاسی بورژوازی است. وی گفت، بی اعتمادی اکثریت عظیم مردم در آمریکا و اروپا به سیستم سیاسی موجود، دلیل شرکت نکردن گاه بیش از نیمی از مردم در انتخابات گوناگون است. وی همچنین به نقش وسائل ارتباط جمعی و شکل دهنی به افکار عمومی را که در اختیار احصارات است اشاره کرد. بخش دیگری از سخنان نماینده سازمان نیز به تاثیرات بحران‌های اقتصادی، بر شرایط کار و معیشت طبقه کارگر در مقیاس جهانی اختصاص یافت.

-خانم تامیلایا برداشت که بحران اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری ارائه داد. وی از ماهیت این نظم می‌آیند و نظر لینین رامینی براین که فقط شکل این بحرانها تغییر می‌کند، درست دانست. یابرداشت که دوره‌های بیست ساله بحران مربوط به تجدید کالاهای دودرهای چهل ساله مربوط به "انقلابات تکنولوژیک" هستند. او گفت که نظام سرمایه‌داری همیشه از راه‌انداختن جنگ استفاده می‌کند تا بخشی از وسائل تولید و تولید انبوه را زیبین ببرد تا بدین وسیله بازارهای جدیدی ایجاد شوند.

-نماینده انجمن کارل مارکس مجارستان در مقایسه‌ای که بین بحران فعلی سرمایه داری با بحران بزرگ ۱۹۲۹ انجام داد گفت که امروز احصارات نقش بیشتری در بحران دارند. او همچنین یادآور شد که "حباب مالی" (به وجود آمده از رد و بدل شدن سهام در بورس‌ها) بسیار بزرگ تر از سال ۱۹۲۹ است. وی در پایان گفت که برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم، سرمایه‌داری با یک تولید فوق العاده انبوه بدون بازار مواجه است.

-تونی مورفی، نماینده حزب کارگران جهان از آمریکا به بخش هایی از جوانب بحران اقتصادی در آمریکا اشاره کرد. او افزایش ناچیز نرخ رشد در آمریکا را نتیجه افزایش بودجه نظامی دانست که هیچ دست آوری برای بلا بردن سطح دستمزد واقعی و سطح زندگی کارگران نداشته است. مورفی گفت که اگر پدیده بی خانمانی تا پیش از ۱۹۸۰ در آمریکا وجود نداشته، امروز به یک معضل بزرگ تبدیل شده که صدها هزارنفر را در بر می‌گیرد. او در ضمن یادآور شد که تعداد زیادی از زحمتکشان آمریکا مجبورند با داشتن دو شغل روزگار بگذرانند.

خبری از ایران

* اعتضاب و تحصن کارگران کارخانه ایران ترانسفو

کارگران کارخانه ترانسفو زنجان در اعتراض به عدم تحقق مطالبات صنفی خود از روز ۹ اردیبهشت دست از کارکشیدند و در محظوظ شرکت تحصن نمودند. این تحصن و اعتضاب چند روز به طول انجامید. از نتیجه این اعتضاب و مطالبات کارگران خبری انتشار نیافت.

* تجمع کارگران اخراجی در مقابل ساختمن مرکزی شهرداری

گروهی از کارگران شهرداری که چند سال پیش به زور بازخرید و اخراج شدند و در طول دوسال گذشته مکرتجمعات اعتراضی برپا کرده اند، روز اول ماه مه با تجمع در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری و مسدود کردن خیابان بهشت، خواهان بازگشت به کار و پرداخت حقوق و مزایای خود شدند. خبرگزاری ایستا از قول یکی از کارگران نوشت که با ۲۱ سال خدمت، شهرداری حدود یک میلیون تومان به ما پرداخت کرده است. واحدهای پلیس تجمع اعتراضی کارگران را برهمن زدند.

* اخراج صد هزار کارگر در یک سال

صادقی، یکی از سران تشکل دولتی خانه کارگر، اخیراً اعلام کرد که در یک سال گذشته، صدهزار تن از کارگران، از کار اخراج شدند و بیش از ۹۰ هزار نفر از کارگران بین ۱۵ روز تا ۹ ماه، حقوقی دریافت نکرده اند.

* تجمع اعتراضی کارگران نساجی در مقابل فرمانداری

گروهی از کارگران نساجی قائم شهر با تجمع در مقابل فرمانداری خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. ۴ ماه است که حقوق و مزایای این کارگران پرداخت نشده است.

با کمک‌های مالی خود

سازمان را یاری رسانید

خواسته‌های خود به سرکار بازنمی‌گردند. معدنچیان خشمگین در ساعت اول اعتضاب به سرعت راههای اصلی منتهی به معادن را مسدود کرده و از عبور و مرور هزاران اتومبیل جلوگیری کرده‌اند. همزمان با این حرکت، صدها کارگر اعتسابی نیز در مقابل دفتر مرکزی صاحبان معادن "میسوره" دست به تجمع زده و خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود شدند. صاحبان این معادن که تصور می‌کردند می‌توان هزاران کارگر اعتسابی را با وعده و عیید به سر کار بازگرداند، با مشاهده گشترش این اعتضاب به سرعت با مقامات دولت تماس گرفته و خواهان دخالت فوری و مستقیم آنان شدند. سرانجام پس از چندین ساعت مذاکره، سرمایه داران عقب نشسته و با بخش زیادی از خواسته‌های کارگران موافقت نمودند. کارگران پس از این پیروزی مجدداً کار را از سرگرفتند.

* پاکستان: اعتضاب کارگران ادامه دارد

از روز ۱۵ آوریل، هزاران نفر از کارگران و کارکنان بخش دولتی دراستان بلوجستان پاکستان در اعتضاب به سرمی‌برند. خواسته اعتسابیون پرداخت هزینه‌های رفاهی معوقه و افزایش دستمزدها است. مقامات سرکوبگر دولت تلاش دارند که این حرکت اعتراضی را با توصل به نیروهای ضد شورش پلیس و ارتش و با جلوگیری از راهپیمایی و برهم‌زنن تجمعات اعتسابیون خاتمه دهند. در این‌مدت بیش از ۳۰۰ کارگر اعتسابی دستگیر و روانه زندان شدند و رهبران این حرکت اعتراضی نیز از تجاوزات خودسرانه مامورین پلیس و ارتش در امان نمانده و آنان نیز مورد آزار و تعقیب قراردارند. برغم تمام این سرکوب-گریها، اعتسابیون اعلام نموده اند که تا رسیدگی کامل به خواسته‌های خود دست از اعتضاب نکشیده و به سرکار بازنخواهند گشت.

کمک‌های مالی رسیده

کانادا-ونکور

۳۸۰ یورو

لاکومه

آلمان

۲۵ یورو

سیاوش ن

دانمارک

هوشنگ احمدی	۵۰	کرون دانمارک
هرمزمان احمدزاده	۱۰۰	کرون دانمارک
هرمزمان احمدزاده	۵	کرون دانمارک
هرمزمان احمدزاده	۵	کرون دانمارک



* اعتضاب فلزکاران آلمان

چندین دورمذاکره میان نمایندگان و صاحبان صنایع فلزی در آلمان سرانجام در روزهای پایانی ماه آوریل به بن بست رسید و اتحادیه فلزکاران آلمان، IG - Metal اعلام نمود که از روز ۶ ماه می‌میلیونها کارگر فلزکار خواهند زد. بار دیگر میلیونها کارگر فلزکار برای تحقق خواسته‌های خود، که افزایش دستمزدها به میزان ۶/۵ درصد است، موثر ترین شیوه به سر عقل آورden سرمایه داران، یعنی سلاح اعتضاب را به کار می‌گیرند، سلاحی که از سال ۱۹۹۵ تا کنون در این سطح و به این کستردگی به کار گرفته شده است. روز ۶ ماه می، اولین موج اعتضاب از منطقه بادن - ورتمبرگ، یکی از مراکز اصلی صنایع اتومبیل سازی آلمان، آغاز شد، در اولین روز این اعتضاب، بیش از ۶۰ هزار کارگر از ۲۱ کارخانه دست از کار کشیده و با برقایی تجمعاتی در مقابل در خروجی چند کارخانه، خواهان پذیرش خواسته‌های خود شدند. ازسوی دیگر صدها کارگر درمحوطه چندین دست از کار در خانه‌ها تجمع کرده و خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند. این اعتضاب تا پیروزی به نمایش گذاردند. روز ۷ ماه می نیز ثبت به بیش از ۱۳ هزار کارگر ۳۳ کارخانه سازنده ابزار - های فلزی رسید که کارها را تعطیل کرده و دست از اعتضاب بزند. در این روز هم هزاران کارگر در مقابل در رودی کار دستمزدهای خود شدند.

اتحادیه فلزکاران آلمان اعلام نمود که سود سرمایه داران در سال گذشته به میلیاردها مارک رسیده و کارگران اکنون خواهان سهم بیشتری از حاصل دسترنج خود هستند. اعتسابیون در روزهای اول این اعتضاب خاطر نشان کردند که تا پیروزی نهایی به اعتضاب خود ادامه خواهند داد.

* پیروزی معدنچیان هند

روز ۶ ماه می بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران معدن "میسوره" واقع در استان کارناتاکا، برای پرداخت اضافه کاری‌های سال گذشته، افزایش دستمزدهای ناچیز خود و بهبود اینمی شرایط مرگبار کار خود کارها را تعطیل کرده و اعلام نمودند که تا تحقق

* کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کا ربه ابراز نظرات مدافعين سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاری یابد.

* هر مقاله‌ای که برای درج در این ستون ارسال می‌گردد حداقل می‌تواند حدود ۲۰۰۰ کلمه یا در دو صفحه نشریه کار باشد.

عنوان مقاله نشان دهنده مضمون مقاله و درگ رفیقانه از فدائیان کمونیست می‌باشد. مقاله روی اقدام نسنجیده تاکید دارد. اقدامی که می‌تواند اصلاح شود و قابل پیشگیری باشد و طبیعتاً این ظرفیت رفیقانه می‌باشد برای اتحاد فدائیان کمونیست محسوب می‌گردد.

همین مقاله اگر با ادبیات متداول دهه ثبت نوشته می‌شود بخوبی شک چنین سرتیتری پیدا می‌کرد "چپ این حرکت خائنات را مامکون می‌کند" لذا مقاله باذرک نسنجیده بودن حرکت فوق به موضوع گیری می‌پردازد و پس از بررسی اجمالی مواضع گذشته و حال حزب توده و اکثریت، رفاقت اتحاد فدائیان کمونیست را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌نویسد "حال رجایانی (فادیان) کمونیست" که شعاع سرنگونی رژیم را می‌دهد، نه از جمهوری اسلامی اعتدال یافته که از حکومت شورائی دفاع می‌کند، چگونه می‌تواند این مخالفان انتقام رسانگویی و با تقویت کنندگان و حامیان این نظام "همصد" شود؟ سازمانی که مدعی دفاع از منافع کارگران است چگونه می‌تواند با حزب توده و اکثریت، این کارگران را خوش خدمت بورژوازی که از سرمایه ایجاد شده است، دارای دفاع می‌کند؟ "مهدصف" شود؟ این را باید اف. ک پاسخ دهد؟

حال باید رفاقت و کجای تیراین ادبیات مقالات به شیوه "ژورنالیست" که شماره جزو پرسش و پاسخ نوشته شده از تیتر زدن به شیوه

"ژورنالیست" های بورژوازی برای بروزگران خوش خدمت بورژوازی ایجاد شده استفاده کرده‌اند و اینکه از این موضع عصیت‌آور پیش بروید و بنویسید

"مخالفتشان" (فادیان اقلیت) با جریانات نظریه حزب توده و اکثریت یک مخالفت صوری بیش نیست و اگر این پوشته به ظاهر رادیکال را بخراشی همان توده و اکثریت بیست سی سال قبل ظاهر خواهد شد.

به راستی رفیق ییدی! کدام جمله و سطر شمارا تاین حد اشتفته کرده که اینکه هونهونه دلمند بزنیده و سرمه ای این که معتقد باشید خوب نگیری از این مقالات

استفاده از این انتقام و سرمنگویی و تقویت کنندگان و حامیان جمهوری اسلامی نبوده‌اند و در تعقیب تبروهای انتقامی با رژیم همکاری نداده شده اند و لذابکارگیری این و آرگان را تحریف موضع و ائمه زنی بدانند. حافظ خود من در سال نوشته و ده سال بودن در زندانهای جمهوری اسلامی به اندازه کافی بسته و دلیل براین مدعای دارم.

در مقاله دوم فدائیان اقلیت نزدیکی کنگره نیاشت، نه اندیشه اینکه به تامل نشسته که از این مقالات

تنها عبارتی خارج از اخلاق کمونیستی نیافتند بلکه به لحاظ نگارش و بکارگیری ادبیات درست، نسبت به مقاله اول حتی گامی هم جلوتر

بود و این امیدرا درخوانده زنده می‌کند که شیوه قلم زنی رفیقانه استفاده از ادبیات و اخلاق کمونیستی و فقط پرداختن به نقد دیدگاه

ها و مقالات می‌رود که در فدائیان نهاده شده کردد. حال اگر اتحاد فدائیان کمونیست و پا رفیق ییدی ایک سال پیش مسئولانه بروخورد می‌کردد و به پاسخگویی سوالات مطرح شده در مقالات متدرج درگار می‌پرداختند، مجبور نبودند بعد از گذشت بیش از یک سال در این جزو

بنویسند "اولا به خاطر غیر سیاسی و سطحی بودن بروخورد این رفقاء بود که ما کمونیستهای جنبش فدائی اساسا هیچ وقت حاضر به مقابله

به مثل دراین موارد نیستیم و در ثانی به خاطر تعهدی بود که مشترکا برای تدارک پریگاری نیستیم، جهت وحدت نشسته که تا اینجا به میاد

دستور داشتیم". آیا بناشتن این جزو می‌توانید هنوز از مقوله طرح شده در نقل قول بالای خودتان حرف بزنید و دفاع کنید؟ به راستی و قطعی تا این حد از دلسوی و رسیدن به وحدت نیروها حرف می‌زنید

چطور چنین جزوی را که در سطسطر آن، توھین، اهانت و با تفکر و ادبیات دهه نوشته شده در شروع نشست مشترک دوم نیروها

کمونیست و چپ پخش و توزیع گردید. به اعتقاد من این جزو طبیعی نه تنها شماکه همه انسانها و نیروها و سازمانهاست که دیدگاه‌های خود را در هر کجا و هر زمان که خواستند در اختیار همکاری قرار دهند، اما

حداقل باید عمل و رفتارشان همچهت با مسائل طرح شده در نوشته ای

شان باشد، تالکویی برای دیگران کردن. شما تا آنجا پیش رفته‌اید که می‌نویسید "اینها حداقل در مقام شیوه بروخورد هیچ خط و مرز و

تفاوتی با رفاقت طلبی که یکی از خواص صفات شده در خواننده باقی نگذشتند. (تاکید از ایدی است). با این تصور که جماعت خواننده

چشم ندارند بینند، گوش ندارند بشنوند و عقل ندارند فکر کنند. برای

من بسیار مانع تأسف است که رفیق ییدی چگونه می‌تواند همه این ای

مسایل رامطروح کننداما برای اثبات ادعای خودش حتی یک جمله از این نوشترها را که مدعی است به سیک حزب توده به اتهام زنی فدائیان

کمونیست نشسته‌اند، نقل قول کنند و هم‌زمان فدائیان کمونیست را به

مشابه جریان اتفاقی و کمونیستی و کارگری جنبش فدائی معرفی کنند که به خاطر همین ویژگی اش دیگران آن را بزنی نمایند.

مگر می‌شود یک جزو ۹ صفحه ای را داد و کلمات و واژه‌ها را به راحتی ابخوردن پشت سرهم ردیف کرد و مدعی داشتن "چشم‌گوش

و عقل خواننده" هم بود، اما در همان حال چنان خواننده را ابله فرض نمود که نیازی به اوردن یک جمله مستند از نوشترهایی که ازان حرف

می‌زنیم، نباشد. مکرمه شود نوشت "این دو جریان (اقلیت و چریکها) در شرایطی این چیزها را سرهم بندی کردن و به خود هوادارانشان دادند". اما رد پایی از مقالاتی که "این چیزهای سرهم بندی شده" در

آن آمداند، نداد. چگونه رفیق ییدی باداشتن سالیان متعدد تحریه و

به عنوان پیش کشوت که باید برای دیگران الگوی رفتاری و نوشتری باشد، شدیدترین حملات و اتهامات و واژه‌ها را برای اقلیت به کار می‌

«سخنی اجمالی با رفیق ییدی»

در نشست مشترک دوم نیروهای چپ و کمونیست در آلمان جزوی از صفحه‌ای با عنوان "پرسش و پاسخ به نقل از کار کمونیستی شماره ۱۴" از طرف اتحاد فدائیان کمونیست پیش گردید. جزوی مربوط به آکسیون از سؤالات از پیش تعین شده است. در پایه مسایل مربوط به آکسیون مشترکی که یک سال پیش سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - واحد هلند با اکثریت و حزب توده برگزار کرده بودند، که رفیق ییدی به پاسخگویی سوالات می‌پردازد. به دلیل نامیدی و به خاطر خاطراتی که چند از رفاقت نزدیک می‌بند من در زندان در سال های

مبازه در ایران از رفیق پیشداشتند که طبیعتاً بروزگاری من نیز از او در ذهنم بر حای کداشنه بودند و نیز به خاطر کنگره ای از جهت شناخت پیشتر رهبران فکری جریانات سیاسی به ویژه جنبش فدائی سریعاً به خواندن جزوی پرداختم. با خواندن نخستین سطور جزوی لحظاتی از خواندن بازایستادم و پس از این مقاله دویاره توانست به خواندن از این مقاله دادمه دهم. هر چه پیشتر رقم و در سطر سطر

جزوه اندیشه کردم به دلایلی پرچرخ و شگفتیم افزود شد: ۱- نحوه نگارش و ادبیات بکار گرفته شده در این جزو تداعی کنده ادبیات اتهام زنی دهه نوشته می‌باشد که امروز هر کسی که

قلبی برای تپیدن و اندیشه‌ای برای تامل کردن به جنبش کمونیستی ایران دارد آن را برخیز تا بد. ۲- رفیق ییدی همه بحث خود را در پاسخ به سؤالات، ظاهراً پیشتر رهبران فکری جریانات سیاسی به منبع نوشته و

مقاله را معروف کرد، تا من خواننده بتوانم برای صحبت ادعاهایش استنتاج می‌کنم. و قنیت در همین فدائیان (اقلیت) و چریکهایی در مقالات مندرج شده

(البته من بیشتر نویسندهان مقالات مدنظرم هست نه همه اعضاء و پا هوداران آنها") بدون این که بیک جمله مستند از این مقالات ارائه مهد و یا عنوانی از مقاله را ذکر نماید و یا منبع نوشته و

مقاله را معروف کند، تا من خواننده بتوانم برای صحبت ادعاهایش به مقالات نوشته شده از طرف فدائیان (اقلیت) و چریک ییدی که این جزوی نمایم و خود به داوری بنشتم، نه آنچه رفیق ییدی ادعا می‌کند.

۳- تمام نوشته به نقد شیوه بروزگاری در جنبش فدائیان از این مقالات می‌دانم و خود به نقد شیوه بروزگاری در جنبش فدائیان از این مقالات می‌دانم و خود به نقد شیوه قلمزنی متدائل دهه نوشته می‌دانم. پاسخگویی در نوشته خود

حداقل مرزبندی را با شیوه قلمزنی متدائل دهه شصت بکارگیرد و رعایت موادین اخلاقی و کمونیستی را حفظ نماید. ۴- ساده از گارانه مثالهای تمثیلی از آکسیونها و وحدت عمل از مبارزات کارگران داخل کشور می‌آورد و آنکاه به استنتاج سطحی مشابه آن در خارج از کشور می‌رسد و این احساس را ایجاد می‌کند و می‌پردازد. ۵- می‌رسد کردن شکل "مار" من خواننده را از یادگیری و نوشتین درست کلمه "مار" برخدر دارد.

با خواندن جزوی چندین بار تصمیم گرفتم با رفیق ییدی به بحث بنشتم، اما به خودم و ذهنم شک کردم، چرا که تا اینجا به یاد داشتم فدائیان (اقلیت) دو مقاله در ارتباط با آکسیون هلنند در نشریه کار نوشته‌اند. اولی بعنوان "چپ این اقدام نسنجیده مشترک هلنند" - مقالاتی که حداقل در نوشته فوق وجود خارجی ندارند.

می‌پردازند، بدون اینکه خود در هنگام پاسخگویی در نوشته خود

و رعایت موادین اخلاقی و کمونیستی را حفظ نماید. ۶- ساده از گارانه مثالهای تمثیلی از آکسیونها و وحدت عمل از مبارزات آن در خارج از کشور می‌آورد و آنکاه به استنتاج سطحی مشابه آن در خارج از کشور می‌رسد و این احساس را ایجاد می‌کند و می‌پردازد. ۷- می‌رسد کردن شکل "مار" من خواننده را از یادگیری و نوشتین درست کلمه "مار" برخدر دارد.

با خواندن جزوی چندین بار تصمیم گرفتم با رفیق ییدی به بحث بنشتم، اما به خودم و ذهنم شک کردم، چرا که تا اینجا به یاد داشتم فدائیان (اقلیت) دو مقاله در ارتباط با آکسیون هلنند در نشریه کار نوشته‌اند. اولی بعنوان "چپ این اقدام نسنجیده مشترک هلنند" در می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چپ این اقدام نسنجیده مشترک هلنند" باشد. ۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی" باشد. ۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی هیئت سیاسی" باشد. ۱۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری" باشد. ۱۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۳- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۴- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۵- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۶- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۷- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۲۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۲۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۲۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۲۳- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۲۴- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۲۵- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۲۶- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۲۷- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۲۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۲۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۳۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۳۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۳۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۳۳- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۳۴- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۳۵- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۳۶- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۳۷- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۳۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۳۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۴۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۴۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۴۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۴۳- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۴۴- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۴۵- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۴۶- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۴۷- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۴۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۴۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۵۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۵۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۵۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۵۳- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۵۴- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۵۵- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۵۶- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۵۷- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۵۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۵۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۶۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۶۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۶۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۶۳- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۶۴- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۶۵- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۶۶- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۶۷- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۶۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۶۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۷۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۷۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۷۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۷۳- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۷۴- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۷۵- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۷۶- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۷۷- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۷۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۷۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۸۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۸۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۸۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۸۳- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۸۴- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۸۵- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۸۶- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۸۷- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۸۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۸۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۹۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۹۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۹۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۹۳- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۹۴- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۹۵- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۹۶- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۹۷- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۹۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۹۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۰۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۰۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۰۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۰۳- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۰۴- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۰۵- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۰۶- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۰۷- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۰۸- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۰۹- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۱۰- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۱۱- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۱۲- می‌دانم که مقاله می‌تواند مقاله‌ای با عنوان "چمعبندی همکاری ایجاد" باشد. ۱۱۳- می‌دان

توده ای باشد. اما آیا می‌توانیم از این مقدمات ابتدائی و درست به استنتاجی بزنیم و در همین جزو^۹ صفحه‌ای علیرغم نوشتند سه سطر جمعیتی خود مبنی بر این که "صحت از اتحاد عمل و همکاری با جریاناتی نظری حزب توده و اکثریت زمانی درمیان خواهد بود که این جریانات ضمن برخورد انتقادی با سیاست‌های ضربه زننده خود در گذشته از اراده سیاست مماثلات طبلانه با رژیم دست برد از این سیاست و عملکرد آنها به امر مبارزه در راه استقرار آزادی، برابری و عدالت اجتماعی لطمه نزنند." در عمل چندین صفحه دیگر به فرع حزب توده و اکثریت قلم بزنیم و علیرغم نوشتند سطور بالا دوباره این گونه به توجیه مسله بپردازیم: "اگر فردا در محله، کارخانه، خیابان و غیره از طرف جریانی دعوت به کسیون شد که ما با پیاق‌ترین ان مخالف نودیم و یا خود را خواهی دادیم و یا هر دلیلی که از این جریانات خارج شد و حد انتقال امد و از این حرکت راستی رفیق بدی متوجه تفاوت نمود، تکلیف چیست؟ آیا باید میدان را خالی بکنیم و برویم کنار و بلندگو رایه دست آنها بسیاریم" آیا راستی رفیق بدی متوجه تفاوت مثال خود با آنچه در خارج کشور رخ داده و خواهد داد نیست. آیا حرکت در کارخانه، خیابان و یا کسیونی در درون جامعه ایران صورت گیرد و یا در یک حرکت اعتراضی درون کارخانه که ممکن است کارگران با این انتقادات سیاسی متفاوت دران حضور یابند تا توافق زد و انگاه به نتیجه گیری اتحاد عمل با نیروهای همانند حزب توده و اکثریت در خارج از کشور رسید که فقط رهبران و عناصر مستکنده فکری - سیاسی آنها دران حضور دارند هبرانی که خود بانیان سیاستهای گذشته بوده اند و هنوز هم هستند. آیا رفیق بدی متوجه تفاوت بحث خود را خارج از کشور و درون کارخانه در ایران نیست که من نویسد "اگر در جایی نظری یک تشکل کارگری، یک تشکل دمکراتیک و یا یک گمینه انتصاب کارگران که ممکن است تمايزگانی هم از این خانین" باشد تکلیف چیست؟ با پیش‌توخالی هم نمی‌شود به کارگر پاسخ داد و شکم زن و پیچ او را سیر کرد و یا در توان قوا تحولی ایجاد نمود" فراموش نکنیم که کلمه خان و خانین از طرف رفیق بدی در داخل گیوه اورده شده و معنی اش این است که این واژه را بگیران بکار می‌کیریم و یا خود رفیق بدی (اینجاست که خواننده حزب توده و پرسش و پاسخ بدان تنتجه متفق خواهد رسید) که این موضع می‌شوند می‌کند با گشیدن شکل "مارخوانند" را ازآموزش و نوشتی کلمه "مار" جهت شناختن بیشتر باز دارد. به اعتقد از لازم است همه رفقاء جنبش فدائیان علی‌الخصوص رفقاء که باشیوه برخورد اتهام زنی و یه کارگری ادبیات دهه شصت که "محصول فضای الوده و بحرای ای سالها بوده - موضع دارند" به ویژه خود رفیق بدی یک بار دیگر منصفانه نشینند و به دور از عصیانیت و اراحت مقالات چپ این اقدام نستیجیده را محکوم می‌کند و "ملاظه ای انتقادی و اکثریت نشستند تا اینها را تظییر کنند." (جمله داخل پراستاری خود از اکسپوں بطرور علی‌الحضره انتقادی صورت بگیرد). ولی متناسبانه این سطور به تنها از چشمان تیز بین رفیق بدی پوشیده می‌ماند، بلکه به وارونه کردن حقیقت هم می‌نشیند و اقلیت را متمه می‌کند که "به خواننده خود الغاء می‌کند که فدائیان گمونیست (آنهم البته ه واحد هلندر) یکه سازمان فدائیان گمونیست با جریان نبوده است. متعاقباً این انتظار را ایجاد می‌کند که با این اقدام در سطح جنبش هدایت در کار را نمی‌بیند و علیرغم این که مقاله تاکید می‌کند "امدن کلمه هلندر در انتها اعضاء این جریان می‌توانند بیانگرانی باشد که این اتحاد عمل و صدور اطلاعیه مشترک" موضع رسمی کل این جریان نبوده است. متعاقباً این انتظار را ایجاد می‌کند که با این اقدام در سطح جنبش هدایت در کار را نمی‌بیند و علیرغم این که مقاله تاکید می‌کند "امدن کلمه هلندر در انتها را تظییر کنند." (جمله داخل پراستاری خود از اکسپوں بطرور علی‌الحضره انتقادی صورت بگیرد) که به تنها این سطوح به تنها از چشمان تیز بین رفیق بدی پوشیده می‌ماند، بلکه به وارونه کردن حقیقت هم می‌نشیند و اقلیت را متمه می‌کند که "به خواننده خود ای انتقادی و اکثریت نشستند تا اینها را تظییر کنند." ا. ف. که بند سه جمعیتی از این جریان نبودند و آغاز می‌کند: "اعلام حمامی رسمی و سازمانی ما از این اکسپوں برگم حضور و شرکت نیروهای حزب توده، سازمان اکثریت و چهنهاله باتوجه به مضماین به شیخ رسیده‌این حزب، سیاستی اصولی این حزب، این جریان را به جعل و تحریف هم می‌نماید. به راستی بر جنبش چپ ماجه رفته که اینگونه قلم می‌زنیم؟ اگر رفیق بدی مقالات مندرج در کار را خواننده و چشم بسته مقاله پرسش و پاسخ را نوشتند که اساساً شایسته او نیست که مقاله ای را خواننده به نشیند و اگر که خواننده چگونه به تحریف دست می‌زند، در حالیکه در همین نوشتند خود سازمان اتحاد فدائیان گمونیست را، به خاطر داشتن اخلاق گمونیستی و این که درین جنبش فدائیان گمونیست را متمه می‌نماید، این گونه برخورد -های برخاسته به متابه جریان انتقادی و گمونیستی و کارگری جنبش فدائیان معرفی می‌کند. "حال من خواننده تازه به دنیا خارج کشوار" پا گذاشتند تا پیش از این متابه جریان انتقادی و گمونیستی این گونه قلم می‌زنند. زمانی که هنوز به متابه چنین جریانی نبودند و آن را نمایندگی نمی‌کردند چه می‌کردند؟ و تا حدودی بارگز از ادعای های دست اندکاران جنبش فدائی خود به داروی بنشینیم و درک کنیم درین بیست سال بر سازمان بر جایگاه طبقاتی یک جریان داشته باشیم، چه رفته است. من می‌پذیرم که تنها باخین خوانند یک جریان نمی‌توان به مبارزه با این برخاست و حتی نمی‌توان به ایزوله کردن آن برداخت. اگرتوانیم بنیادهای ای‌بی‌ولوژیک یک خط مشی را بنشانیم، اگر نتوانیم درک درستی از پایگاه طبقاتی یک جریان داشته باشیم، اگر نتوانیم سیاستها و برنامه یک جریان را نقد کنیم و بنیان های فکری اثراً بازنماییم چه بسا همان عملکرد را داشته باشیم، و اپورتونیسم بخوانیم. همانند اکثریت در ماههای اویله بعد از انشعاب ۵۹ که هنوز مقالاتی در نقد حزب توده و نفی پیوستن به آن در کار اکثریت درج می‌کردند، چنین نگاهی سطحی، بدو شناخت همچنانه از یک جریان بیستر به یکدیگر دینار و از انجا که برای همه مبارزین و پی‌می‌گیرم بسیار مایه تاسف است که شاهد چنین نوشترانی تا این حد غیرمستند باشیم، آن هم در کانون وحدت و اتحاد و از انجایی که جنبش چپ ما نیاز میرمی‌دارد که با برخوردهای غیرمستند، اتهام زنی و استفاده از ادبیات تحریری دهه شصت فاصله بگیرد، تا بتواند در پست رفیقانه وحدت به نزدیکی و انسجام بیشتری دست داشته باشیم. جزوی فوق را می‌توان از زوایای مختلف به تقد و بررسی نشست. اما موثرترین نقد آن، خواندن خود جزوی است، چرا که سطره سطرجوزه قابل تقد و بررسی است و نمی‌توان همه نوشتند رانه صورت نقل قول اورد. برای من که تازه به دنیای خارج از کشور پا گذاشتم و یا داشتم و شیوه برخورد و نگاه افراد و سازمان ها را نسبت به یکدیگر دینار و پی‌می‌گیرم بسیار مایه تاسف است که شاهد چنین نوشترانی تا این حد غیرمستند باشیم، آن هم در کانون وحدت و اتحاد و از انجایی که جنبش چپ ما نیاز میرمی‌دارد که با برخوردهای غیرمستند، اتهام زنی و استفاده از ادبیات تحریری دهه شصت فاصله بگیرد، تا بتواند در پست رفیقانه وحدت به نزدیکی و انسجام بیشتری دست یابد و از انجا که برای همه مبارزین و پی‌می‌گیره و ویژه مبارزین چنین جنبش فدائی که در عرصه عمل و پرایتیک امتحان خود را پس داده اند و جزو سرمایه‌های این چنین محسوب می‌شوند ارزش و احترام قائل هستم و خود را موظف به فقط حرمت این رفقة می‌دانم، اذن تمام سعی خود را برای این مهم گذاشتمن نقد مسایل مطرح شده در جزوی پرسش و پاسخ فقط به صورت مستند به نقد نوشتند و دیدگاههای رفیق بدی بپردازیم. حال اگر علیرغم میم در این نوشتند قصوری در این امر صورت گرفته باشد، انتظار دارم رفیق بدی با گشاده دستی و تحمل رفیقانه به یادآوری بنشیند.

گردد، اما ابتدایی ترین اصل قلم زنی و مقاله نویسی را که می‌بایست با استناد به نویشه طرف مقابل و آوردن نقل قول ازان بتوانیم خواننده را نیز به داروی بتشانیم رعایت نمی‌کند و بی‌توجه از کثار آن می‌گذرد، چرا چنین اشتباه فاحشی رخ می‌دهد؟ حلقه مفقوده این نوشتند در کجاست؟ به اعتقاد من دو مقاله مندرج در کار خصوصاً مقاله "ملاظه ای از این مقاله" بر یک سیاست و یک "جمعیتی" تکمیل می‌شود. این مقاله نویسی را که تجربه هیئت سیاسی اف. که را اشکارانه به نمایی می‌گذارد و این همان نکته ظریفی است که رفیق بدی آنرا برئی مثبت و از موضعی کاملاً عصبی به نوشتند، جزوی ای غیر مستند می‌پردازد. از آنجایی که هر دو مقاله مستند، رفیقانه و بدون اتهام رزی نوشتند شده اند، رفیق بدی در تمام نوشتند خود تلاش کرده هیچ یک ردیکلی از مقالات مندرج در گارنده، خود او بتواند به قضاوت بینشند. اما بیشترین موضوعی که رفیق بدی از منظر آن به طرح دیدگاه های خود می‌پردازد و عملی به نوعی به تبلیغ و ترویج حزب توده و اکثریت می‌نشیند از اتهام "ازدواج کردن" این جریان است. به این جملات توجه کنید در فاصله ۲۹ تا ۵۷ درست در سپاهی این مقاله ضعیف ترین موقعيت خودش در پاراداشت، سازمان ما با وجود اعتبار و یا بیکوت کردن، ته تها با خان گفت و یا بیکوت کردن، ته تهاست، حزب توده را مبنی تبدیل شد که "بنده این حزب در استانه قیام به انجنان نیروی موثری تبدیل شد" که نود درصد فدائیان راهنم به سمت خود جلب کردند. تا کنون هیچ یک از کادرها، اعضا و رهبری حزب توده حتی متعصب ترین اینها در هیچ نوشتند سعینار و گنگره نشده اند و که حزب شناس در استانه قیام به آنچنان نیروی موثری تبدیل شده شد که این رفیق یکی پادشاهی این دستگاری بوده است. این را باید تاریخ نگاری جدید است که ایشان بدان گونه به آن متولی می‌شوند. یعنی اشکارا فدائیان اقلیت را به جعل و تحریف و جوسازی متهم می‌کند، بدون این که سندی از اراده دهد که این جعل و تحریف کجا صورت گرفته است. اما خود آگاهانه نوشتند پایانی مقالات مندرج در رفیق بدی پاسخ‌بدهند که برای رسیدن به نتیجه‌لخواه، آیا واقعاً نیازی به تاریخ نگاری جدید است که ایشان بدان گونه به آن متولی می‌شوند. یعنی اشکارا فدائیان اقلیت را به جعل و تحریف و جوسازی متهم می‌کند، بدون این که سندی از اراده دهد که این جعل و تحریف کجا صورت گرفته است. این را باید تاریخ نگاری جدیدی ای از اینها در انتها امضاء این جریان می‌تواند بیانگرانی باشد که این اتحاد عمل و صدور اطلاعیه مشترک، موضع رسمی کل این جریان نبوده است. متعاقباً این انتظار را ایجاد می‌کند که با این اقدام در سطح جنبش هدایت در کار را نمی‌بیند و علیرغم این که مقاله تاکید می‌کند "امدن کلمه هلندر در انتها را تظییر کنند." (جمله داخل پراستاری خود از اکسپوں بطرور علی‌الحضره انتقادی صورت بگیرد) که به تنها این سطوح به تنها از چشمان تیز بین رفیق بدی پوشیده می‌ماند، بلکه به وارونه کردن حقیقت هم می‌نشیند و اقلیت را متمه می‌کند که "به خواننده خود ای انتقادی و اکثریت نشستند تا اینها را تظییر کنند." ا. ف. که بند سه جمعیتی ای‌بی‌ولوژیک یک جریان داشتند که این گونه برخورد -های ای‌بی‌ولوژیکی است. و این درحالی است که واحدهای ای‌بی‌ولوژیک یک جریان نبودند و آن را ته‌لر راچنین آغاز می‌کند: "اعلام حمامی رسمی و سازمانی ما از این اکسپوں برگم حضور و شرکت نیروهای حزب توده، سازمان اکثریت و چهنهاله باتوجه به مضماین به شیخ رسیده‌این حزب، سیاستی اصولی این حزب، این جریان را به جعل و تحریف هم می‌نماید. به راستی بر جنبش چپ ماجه رفته که اینگونه قلم می‌زنیم؟ اگر رفیق بدی مقالات مندرج در کار را خواننده و چشم بسته مقاله پرسش و پاسخ را نوشتند که اساساً شایسته او نیست که مقاله ای را خواننده به نشیند و اگر که خواننده چگونه به تحریف دست می‌زند، در حالیکه در همین نوشتند خود سازمان اتحاد فدائیان گمونیست را، به خاطر داشتن اخلاق گمونیستی و این که درین جنبش فدائیان گمونیست را متمه می‌نماید، این گونه برخورد -های برخاسته به متابه جریان انتقادی و گمونیستی و کارگری جنبش فدائیان معرفی می‌کند. "حال من خواننده تازه به دنیا خارج کشوار" پا گذاشتند تا پیش از این متابه جریان انتقادی و گمونیستی این گونه قلم می‌زنند. زمانی که هنوز به متابه چنین جریانی نبودند و آن را نمایندگی نمی‌کردند چه می‌کردند؟ و تا حدودی بارگز از ادعای های دست اندکاران جنبش فدائی خود به داروی بنشینیم و درک کنیم درین بیست سال بر سازمان بر جایگاه طبقاتی یک جریان داشته باشیم، چه رفته است. من می‌پذیرم که تنها باخین خوانند یک جریان نمی‌توان به مبارزه با این برخاست و حتی نمی‌توان به ایزوله کردن آن برداخت. اگرتوانیم بنیادهای ای‌بی‌ولوژیک یک خط مشی را بنشانیم، اگر نتوانیم درک درستی از پایگاه طبقاتی یک جریان داشته باشیم، فکری اثراً بازنماییم چه بسا همان عملکرد را داشته باشیم، و اپورتونیسم بخوانیم. همانند اکثریت در ماههای اویله بعد از انشعاب ۵۹ که هنوز مقالاتی در نقد حزب توده و نفی پیوستن به آن در کار اکثریت درج می‌کردند، چنین نگاهی سطحی، بدو شناخت همچنانه از یک جریان بیستر به یکدیگر دینار و از انجا که برای همه مبارزین و پی‌می‌گیرم بسیار مایه تاسف است که شاهد چنین نوشترانی تا این حد غیرمستند باشیم، آن هم در کانون وحدت و اتحاد و از انجایی که جنبش چپ ما نیاز میرمی‌دارد که با برخوردهای غیرمستند، اتهام زنی و استفاده از ادبیات تحریری دهه شصت فاصله بگیرد، تا بتواند در پست رفیقانه وحدت به نزدیکی و انسجام بیشتری دست یابد و از انجا که برای همه مبارزین و پی‌می‌گیره و ویژه مبارزین چنین جنبش فدائی که در عرصه عمل و پرایتیک امتحان خود را پس داده اند و جزو سرمایه‌های این چنین محسوب می‌شوند ارزش و احترام قائل هستم و خود را موظف به فقط حرمت این رفقة می‌دانم، اذن تمام سعی خود را برای این مهم گذاشتمن نقد مسایل مطرح شده در جزوی پرسش و پاسخ فقط به صورت مستند به نقد نوشتند و دیدگاههای رفیق بدی بپردازیم. حال اگر علیرغم میم در این نوشتند قصوری در این امر صورت گرفته باشد، انتظار دارم رفیق بدی با گشاده دستی و تحمل رفیقانه به یادآوری بنشیند.

سینار بین المللی کمونیستی بلژیک

- جنبش "ضد گلوبالیزاسیون" و برخورد گرایشات انحرافی درون آن، محور بحث نماینده حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست انقلابی سوئد (KPML-۲) بود. وی ضمن مروری براعتراضات جهانی علیه نهادهای مالی و اقتصادی امپریالیستی، آنارشیسم را خطرعمده درون این جنبش معرفی کرد و از نیروهای فعال این جنبش خواست تا مرزبندی قاطعی با نقش مخبر آنارشیسم اتخاذ نمایند. وی به سینار پیشنهاد نمود تا به کارگیری روش و اخلاق واحدی به برخورد نظری با این گراش پرداخته شود اما این پیشنهاد عملاً از دستور کارسینار خارج شد.

- سخنران بعدی، 'نماینده مرکز اتحاد سوسیالیستی هند' بود که برپرورت سازمان - دهی جنبش هدفمندوجهت دارسوسیالیستی تاکید نمود. وی اظهار داشت، درس گیری از تجارب جنبش های جهانی به ما می آموزد که سوسیالیسم بدون انقلاب و انقلاب بدون تشکل، سازماندهی و رهبری انقلابی و طبقاتی میسر نیست.

- وضعیت اقتصادی درمکزیک، بیکاری و مهاجرت کارگران این کشور به آمریکا، موضوع سخنرانی نماینده (P.E.M) مکزیک بود. وی گفت تورم و بیکاری روز به روز شدت می یابد و تاثیرات مخرب قراردادهای اقتصادی ازجمله نفت زندگی را برکارگران سیاه می کند.

- شرایط زنان در صنایع نساجی، محور سخنان نماینده فدراسیون اتحادیه های کارگری ملی بنگلادش بود. وی گفت: "۹۰٪ درصد شاغلین در بخش صنایع نساجی را زنان تشکیل می دهند. جداسازی جنسی در محیط کار بیدادمی کند. سطح دستمزد زنان عمدها پائین تر از همکاران مرد است. عدم داشتن حقوق اتحادیه ای، موقعیت زنان کارگر را شکننده تر از همقطاران مردان شان کرده است.

در پایان سینار پیشنهادهایی برای موضوع سینار سال آینده ارائه شد. یک قطعنامه عمومی سینار خوانده شد. پس از چند پیشنهاد، قرار شد که هر سازمان و حزب متن قطعنامه پایانی را به بحث گذارد و در صورت داشتن اصلاحیه آن را به هیئت رئیسه ارائه دهد تا متن پایانی در ۳۰ ماه مه منتشر شود. به جز این قطعنامه، چندین قطعنامه دیگر ارائه شد که هیئت نمایندگی سازمان ما قطعنامه های زیر را امضا کرد:

- قطعنامه درمورد زندانیان سیاسی درنیاپال
- قطعنامه محکومیت تجاوز صهیونیستی و امپریالیستی بر ضد جهان عرب
- قطعنامه برای خروج فوری و بدون قید و شرط نیروهای نظامی آمریکا از فلسطین
- قطعنامه علیه "قوانین ضد تروریسم" مصوب اتحادیه اروپا.

کند. . . هم بورژوازی و هم کارگران، هریک در صفوی طبقاتی خود، از تاکید بر "عرب بودن" منافع ویژه ای را دنبال می کنند . . . مادام که در منطقه، اقتصاد و صنعت و تولید، رونق و شکوفایی نداشته باشد، طبقه کارگر صنعتی یا غایب است یا ضعیف ولذا خوت و برادری کارگران عرب، کمنگ و تحت - الشاع اخوت شروتمندان عرب است. توده های ستمدیده عرب مخالف توریسم، کاپیتالیسم و دشمن سرسخت استثماراند. شرایط ویژه منطقه، پیوندهای عمیقی در میان توده های مردم به وجود آورده است. . . مابراイン پیوند -ها افتخار می کنیم. نیروهای متفرق جهان عرب، موضع کمابیش مشترک نسبت به مسئله فلسطین دارند: دولتی مستقل، دمکراتیک و سکولار در فلسطین".

- نماینده جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین، با گذرنی تاریخی به اوضاع این کشور برسیاست -های سرکوگرانه امپریالیسم آمریکا اشاره کرد: "طی جنگ آمریکا در سال های ۱۹۱۶-۱۷۹۹ بیش از ۲۰۰ درصد جمعیت فیلیپین کشته شدند. مبارزات متعدد علیه حضور نیروهای آمریکا یکی از جواب مهم مبارزات جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین بوده است. ایجاد و تقویت اتحادیه های کارگری، زنان و جوانان از جمله دستاوردهای این مبارزات است."

- در بخش بعدی، نماینده جنبش انقلابی MR8 اکبر بزریل موسوم به (MR8) از رشد مبارزات ضد امپریالیستی در بزریل گزارش داد. وی خاطر نشام ساخت که این مبارزات خصوصاً پس از وقایع ۱۱ سپتامبر و عاقبت آن، رو به رشد بوده است.

- نماینده کمونیست نروژ (AKP) تنها سخن-رانی بود که از عدم تاثیر بحران اقتصادی جهانی بر کشورش سخن گفت. وی گفت: "گرچه روند خصوصی شدن در بخش اقتصاد نروژ در پیش گرفته نشده است، اما به علت عدم عضویت نروژ در اتحادیه اقتصادی اروپا، تعریضاتی که درسایر نقاط جهان به دست اوردهای کارگران آغاز شده، هنوز در نروژ به چشم نمی خورد. هنوز ازانجام دستمزدها خبری نیست. در نروژ، بورژوازی در مرحله تدارک حمله به دست اوردها به سر می برد. درحالی که در سایر نقاط این فاز مدت هاست سپری شده است. لذا شناورسازی نیروی کار و ساعت کار یکی از پدیده های رابج است. اما شروت فراوان در نروژ، مانع از کاهش دستمزد - هاست. همین امر موجب شده که نقش اتحادیه ها کمینگ شوند. تنش مابعد عنوان نیروهای چپ و کمونیست، تقویت گراش رزمدند در درون اتحادیه جهت مقابله با حملات آتی علیه دست آورده است. از طرف دیگر ما عرصه دیگری برای فعالیت داریم که مبارزه علیه ورود نروژ به جامعه اروپا است."

- سومین روز سینار با سخنرانی نماینده فوروم ضد امپریالیستی "نیپ آغاز شد. وی ضمن مروری تاریخی برمبارزات توده های ستمدیده از قرن ۱۸ تاکنون، بر پرورت انقلاب تاکید نمود و نیروهای ضد امپریالیست را به مبارزه ای متحد و جهانی فراخواند.

- یکی از پر شور ترین مباحث سینار توسط "ابوخلیل" نماینده جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PLFO) ارائه شد که با استقبال شدید حضار مواجه شد. وی سخنرانی خود را چنین آغاز کرد: "با پوزش از حضار من از بحث تئوریک حول بحران اقتصادی و سیاسی جهان صرف نظر می کنم و توجهتان را به یکی از مراکز بحران سیاسی - اقتصادی جهان جلب می کنم چرا که ما مارکسیست - لنینیست ها باید یافته ها و باورهای ایدئولوژیکمان را در تحلیل اوضاع سیاسی روز به کار گیریم . . . منطقه ما، آزمایشگاه سلاح های نظامی امپریالیست هاست: بمبهای "وکیوم" اولین بار در بیروت امتحان شدند، بمبهایی بدون صدابودند که در کوتاه ترین مدت ساختمنها و عمرانی را خراب می کنند. منطقه ما، کانون شروتمندان جهان و در همان حال مرکز فقر و بدیختی بخش عظمی از ساکنان است . . . جنگ های متعددی داشته و خواهیم داشت. جنگ بر سر زمین، یکی از این جنگ هاست که شاهد آن هستید . . . یکی از جنگ های آینده در منطقه ما برس آب خواهد بود . . . کنترل آب یکی از معضلات و موارد شایان اهمیت است که در پس تخاصمات فعلی . . . کمنگ شده واز دید جهانیان محوشده اما یکی از زمینه های مادی درگیری هاست . . . هنگامی که کنترل ۹۰ درصد نوار غزه در دست اسرائیل است، چگونه آب مورد نیاز فلسطینی - ها تأمین می شود؟ آبی که در حال حاضر از حفر سرزمین های فلسطینی نشین، به دست می آید، تنها کفاف ۳۰ درصد نیاز فلسطینی - هاست . . . در منطقه ما که شروتمندترین افراد جهان را در خود جای داده است، ۷۵٪ از زنانش، بیسوساند، ۴۵-۴۰ درصد از مردان خواندن و نوشتن نمی دانند . . . ماطلای سیاه صادر می کنیم، چرخ های کارخانجات و تولید درسایر کشورها به حرکت می افتد، اما اکثریت مردم منطقه در فقر و بدیختی و آوارگی به سر می برند . . . اگر با هواپیما از مراکش تا بغداد، بر فراز کشورهای عربی پرواز کنید، . . . دود کارخانجات که سمبول تولید و صنعت است را خوهدید . . . این کشورها سوزن مورد نیاز را نیاز اخراج وارد می کنند چرا که فاقد صنعت و تولیدند . . از همین رو زمانی که از جهان عرب صحبت می شود، باید در نظر داشت که مجموعه شرایط در این کشور - ها هم بورژوازی عرب را و می دارد که متحدا وارد عمل شوند و هم طبقه کارگر را وامی دارد در قالب کارگران جهان عرب، عرض اندام کنند . . امپریالیسم برغم تلاش - های مکرر، نتوانسته است اعراب را تجزیه

((طرح منع شکنجه)) و بلامانع بودن شکنجه

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا کانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourse
75015 Paris
France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)
۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۱۹۶۷
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱
۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

لذا اگر آنها از آزادی سیاسی سخن می گویند، منظورشان این نیست که آزادی های سیاسی برای عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شود، بلکه منظورشان این است که جناح رقیب آنها، این آزادی را به طور کامل برای آنها به رسمیت بشناسد. اگر از آزادی مطبوعات سخن می گویند، به هیچ وجه منظور - شان این نیست که هر مخالفی بتواند حرف خود را آزادانه در مطبوعات بگوید و نشریه های را منتشر کند، آزادی مطبوعات از دیدگاه آن هابدین معناست که دستگاه قضائی رژیم، نشریات آنها را توقیف نکند. اگر از آزادی تشکل مستقل سخن می گویند، منظورشان این نیست که توده های مردم ایران، کار- گران و زحمتکشان وزنان بتوانند تشکلهای وابسته خود را ایجاد کنند. برهمین منوال، اگر از منع شکنجه سخن می گویند، همان گونه که در مصوبه اخیر کاملا مشهود است، منظورشان این نیست که شکنجه به عنوان یک اقدام وحشیانه و ضد انسانی باید به طور کامل و بدون هرگونه استثناء و تبصره براحتی بلکه منظورشان این است که اعضای گروه های طرفدار دو خرد ایها نظیر ملی- مذهبی ها از هرگونه فشار و شکنجه ای معاف باشند. والا همان گونه که از مفاد این طرح برخی آید، آنها مشکلی ندارند که مخالفین جمهوری اسلامی که گروه های محارب نامیده می شوند و یا مردمی که به اقدام مسلحانه علیه رژیم متول می شوند، شکنجه شوند. تازه همان گونه که اشاره شد، یکی از اهداف گروه های دو خرد ای از اراده چنین طرح هایی تبلیغاتی است. اگر روزی تمام قدرت سیاسی در دست آن ها قرار بگیرد، همین تبصره و استثناء به قاعده عمومی عمل آنها تبدیل خواهد شد. مگرنه این است که همین نمایندگان کنونی مجلس ارتعاج اسلامی خودشان اعضای وزرات اطلاعات، بازجو و شکنجه گر، پاسدار و بسیجی و حزب الهی بوده اند و مگر جز این است که آنها در شکنجه، کشتار و قتل عام صدها هزار تن از مردم ایران دست داشته اند؟ مگر هم اکنون خود را طرفدار جمهوری اسلامی نمی دانند؟ مگر افتخار - شان مسلمان بودن نیست؟ و مگر احکام اعتقادی شان قطع دست و پای انسان با ساطور، برین سر یک انسان با شمشیر، زجر کش کردن یک انسان با سنگسار و

و . . . در حکم شکنجه بوده و اعمال آن ممنوع می باشد. اما این ماده به سادگی با یک تبصره منتفی اعلام می گردد و همین تبصره ماهیت این طرح را برملا می کند. تبصره می گوید در موارد ضرورت و برای کشف فوری جرایم محتمل الوقوع، بازجو، قضائی، وزارت اطلاعات، می توانند موارد را که در بند های ماده اول به عنوان مصاديق بارز شکنجه از آنها نام برده شده بود به کار گیرند. و این "ضرورت" کاربرد شکنجه و "بلامانع" بودن آن، شامل هرگونه اقدام مسلحانه، عضویت در گروه های محارب، جاسوسی به نفع بیگانگان، فعالیت در شبکه های قاچاق مواد مخدور، گروگان گیری و آدم ربایی می شود. در پی تصویب این طرح در مجلس، حالا تمام بحث طرفداران پوشیده و آشکار حکومت اسلامی این است که آیا شورای نگهبان این مصوبه را تأیید می کند یا نه؟ گویا که با رد یا تأیید این مصوبه چیزی در این میان تغییر خواهد کرد. مسئله صرفداری نیست که شکنجه و کشتار جزو لینفک حکومت اسلامی است، بلکه طرحی که ادعای منع شکنجه را دارد شکنجه را رسم ام جاز می داند و کاربرد آن را اساسا در مورد مخالفین سیاسی "بلامانع" اعلام می کند و برای رد گم کردن، اقداماتی نظیر فعالیت در شبکه های قاچاق مواد مخدور، را هم به آن می افزاید. اما مستثنی از کشمکش ها و اختلافات مجلس و شورای نگهبان، هدف از ارائه این طرح و تصویب آن چیست؟ مقدم بر هر چیز این طرح، یک هدف سیاسی - تبلیغاتی را دنبال می کند. گروه های دو خرد ای که با وعده های عربی و طویل در مورد "اصلاحات" به مجلس آمدند و به سرعت پیوچ بودن ادعاهای خود را به همگان نشان دادند، اکنون کارشان این شده است که هر چند وقت یک بار، طرحی را در مجلس تصویب کنند که ظاهرا نشان دهن تافته ای جدا باقه ای از کل حاکمت اند و اگر اقدامی به نفع مردم و خواسته های آنها صورت نمی گیرد، مقصرا جناح رقیب است که مصوبات گویا "اصلاح طلبانه" مجلس را و تو می کندو جلو اجرای آنها را می گیرد. آن هابدین طریق همراه می کوشند نقش خود را در فریب توده مردم نا آگاه و پاسداری از نظم ارتعاجی موجود با این مصوبات، موقعیت عین حال می کوشند با این مصوبات، محدودیت های جناح رقیب را خنثی سازند.

درصفحه ۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiyan-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaiyan-minority.org>

Organization Of Fedaiyan (Minority)

No.381 mei 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی